



گزارشی اجمالی از نوزدهمین دفتر از شب‌های فرهنگ

حافظ؛ نماینده تاریخ و فرهنگ ایرانی

مریم فضائی خبرنگار گروه فرهنگ

در تقویم شمسی ۲۰ مهرماه روز بزرگداشت حافظ نام‌گذاری شده است. به بهانه این روز اکبر نبوی به عنوان میزبان شب‌های فرهنگ، اهالی فرهنگ و هنر را دور هم جمع کرد تا در نوزدهمین دیدار به سراغ حافظ بروند.

در ابتدای این نشست اکبر نبوی، صحبت‌های خود را با غزل بیست‌وسوم حضرت حافظ شروع کرد که مطلع آن چنین است: «خیال روی تو در هر طریق همره ماست/ نسیم موی تو پیوند جان آگه ماست». نبوی پس از قرائت این غزل، گفت: «حافظ جزء معدود بزرگان فرهنگی و هنری و معرفی ایران زمین به حساب می‌آید که نماینده این فرهنگ و تاریخ است. از نظر من دانش‌آموز در این رشته شاید از بزرگان شعر و ادب فرهنگ کشور، کسی را نمی‌توان پیدا کرد که جامعیت حافظ را داشته باشد. جایگاه دیگر شاعران مانند سعدی، عطار، مولانا و... محفوظ است، اما جامعیت حافظ را کمتر کسی دارد. او نماینده این تاریخ و فرهنگ است. حافظ طی رویدادهایی که بر سرآریزانیان آمده، هم نشین و همراه برای آنها بوده. در شاهنامه هم می‌شود این را دید، اما به‌علت روایت داستانی که دارد، در توده مردم شاید به‌عنوان یک سرگرمی هم تلقی شود. اما حافظ متفاوت است؛ حافظ تنها شاعری است که اشعارش مانند پیاز، لایه‌لایه است. به همین دلیل یک آدم ساده روستایی که روی زمینش مشغول به کشاورزی است، همان اندازه لذت می‌برد که یک عارف بزرگ لذت می‌برد. هرکدام اینها با یک سطحی از شعر حافظ ارتباط برقرار می‌کنند و لذت می‌برند.»

میزبان شب‌های فرهنگ در بخش دیگری از این نشست، گفت: «حافظ نماینده دو بخش خودآگاه و ناخودآگاه این فرهنگ، سرزمین و مردم است. در بخش ناخودآگاه حافظ بسیار قدرت‌نمایی می‌کند. اما وقتی او بخش خودآگاه را نمایندگی می‌کند و می‌خواهد که زبان مردم باشد، کاملاً یک شاعر اجتماعی می‌شود. شاعری با دل‌مشغولی‌ها، درنگ‌ها، دغدغه‌ها، هشداری‌ها اجتماعی و... خیلی‌ها گمان می‌کنند که حافظ به اندازه سعدی، فردوسی و ابن‌یمین شاعری اجتماعی نیست، اما این تصور غلطی است. این حالت حافظ عنایت دارد به روزگار و شرایطی که او زیست می‌کرده. حافظ در قرن هشتم و هم‌قرن با عبیدزاکانی بوده است که هر دو با زبانی مخصوص به خودشان با زهد و ربیکاری بسیار مشکل داشتند.»

سپس اکبر نبوی به‌عنوان نمونه به چند شعر حافظ که رنگ و بوی اجتماعی دارند، اشاره کرد و گفت: «این حالت حافظ را می‌توان در شعر «صوفی نهاد دام و سر حقه، باز کرد/ بنیاد مکر با فلک حقه‌باز کرد» دید یا جایی که می‌گوید: «هزار نکته باریک‌تر ز مو این جاست/ نه هر که سر برترشد قلندری داند». حافظ یک جایی نسبت به یک نوع از زهد گالیه می‌کند. اینجا آن نوع ربیکاری در بین غیرعالمان دینی را تقبیح می‌کند. در بین همان صوفی‌هایی که سر می‌تراشیدند، بودند کسانی که علت‌شان برای انجام این کار مقاصد دیگری بوده و نه خیرخواهی و جوانمردی و گرفتن حق مظلوم از ظالم. یا حافظ در شعر دیگری اینگونه سروده است: «عبید زندان مکن ای زاهد پاکیزه‌سرشت/ که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت». الان بخش زیادی از عادت‌های ما عیب‌جویی از دیگران است، غافل از آنکه باید بیشتر به خود نگاه کنیم و کارهای خود را مورد مذاقه قرار دهیم.»

او در بخش دیگری از این نشست گفت: «حافظ تک‌مصرعی دارد که می‌گوید: «یاری اندر کس نمی‌بینیم یاران را چه شد». تنهایی و دل‌تنگی افرادی مانند حافظ در آن روزگار خیلی غریب و شگرف است، همان نوع تنهایی و کم‌زبانی است که مولانا هم تجربه کرده و این شعر را سروده «زین مهرهان سست عناصر دلم گرفته». همچنین می‌توان گفت که حافظ محل امن جان هر انسان ایرانی است؛ به این معنا که هر آدمی در هر شرایطی دیوان حافظ را باز می‌کند و از آن آرامش می‌گیرد. افراد چه در زمان قبض روحی باشند و چه در زمان بسط روحی، دیوان حافظ را باز می‌کنند. یعنی انگار یک محل امنی است که جان‌ها به آن پناه می‌برند و این از روح بزرگ حافظ سررشته گرفته است.»

نبوی به‌عنوان نکته آخر حرف‌هایش گفت: «حافظ مصداق بارز یک عارف واقعی است و از ویژگی‌های عارف واقعی، اعتراض به وضع موجود است. این بعد شاعر می‌تواند یا با حالات درونی عارف بیاید و یا از اوضاع جامعه و مردم آن عارف.»

در ادامه بهرام پروین‌گنابادی پشت تریبون آمد و صحبت خود را با

توضیح درباره اصطلاح «تعلیق ناباوری» شروع کرد: «این یک اصطلاح در مطالعات ادبی و سینمایی است. ما وقتی با یک اثر هنری روبه‌رو می‌شویم، قراردادی ذهنی ناخودآگاه بین هنرمند و مخاطب بسته می‌شود و مخاطب می‌پذیرد که هر آن چیزی که می‌بیند را باور کند. برای درک حافظ هم باید این کار را انجام دهیم.»

او ادامه داد: «مقام حافظ نقطه اوج شعر فارسی است. او گلچین‌کننده همه شعرهای زیبایی است که به مدت ۵۰۰ سال قبل از خودش سروده شده و حافظ با هنرش امضای خودش را پای آن گذاشته است. هر شاعری یک هنر مخصوص به خودش دارد. هنر حافظ در ایهام است که آن را از خواجوی کرمانی وام گرفته. به قول یک استاد: هر شاعر بزرگی روی دوش یک سری افراد دیگر ایستاده که آنها دیده نمی‌شوند، حافظ هم روی دوش خیلی‌ها ایستاده اما بخش زیادی از هنرش را از خواجوی کرمانی گرفته است. اما هنر حافظ در این است که او از خواجو هنر ایهام را گرفته اما آن را به کمال رسانده است. در هنر هم هر کسی که اندیشه، تصویر و موضوعی را به کمال برساند، به نام خودش ثبت کرده است. مفاهیمی که حافظ در شعرهایش به کار برده، شناور است و هرکسی می‌تواند برداشتی شخصی داشته باشد. انگار که شعرهای حافظ مانند آب است و در هر ظرفی، شکل آن ظرف را می‌گیرد، به همین دلیل هر کسی در هر جایگاهی با آن هم‌ذات‌پنداری می‌کند.»

در ادامه پروین‌گنابادی، درباره گم‌نامی حافظ اینگونه گفت: «اطلاعات ما از زندگی حافظ بسیار کم است. فردی به نام محمد گل‌اندام که یکی از افراد نزدیک به حافظ بوده، اشعار او را جمع کرده و نامش «جامع دیوان حافظ» شده است. بخشی از دانسته‌های ما از حافظ، از طریق محمد گل‌اندام و بخشی از اشعار خود حافظ به دست آمده است. برای مثال ما از اشعار او می‌دانیم که حافظ به سفر یزد رفته. اما افسانه‌هایی که از حافظ موجود است، بسیار بیشتر از واقعیت‌هایی است که از او می‌دانیم. این شناخت کم از حافظ باعث می‌شود که او در هاله‌ای از ایهام باقی بماند. احتمال غریب به یقینی هست که حافظ از این موقعیت با زیرکی استفاده کرده و خیلی از غزل‌های ضعیفش را کنار گذاشته. به همین دلیل است که می‌گویند ماجرای حافظ، ماجرای پایان‌ناپذیری است.»

او اضافه کرد: «حافظ زیرکی خاصی در اشعارش به کار برده که از کلماتی مانند دعا، سجده و کلماتی که برای مسلمانان معنایی دارند، استفاده متفاوتی کرده است. برای مثال در تک‌مصرعی گفته: «دست دعا برآرم و در گردن آرمت». حافظ با آنکه حافظ قرآن بوده و می‌توانسته ۱۴ مدل قرائت کند، چرا این کار را کرده؟ برای فهم حافظ و شعرهایش باید تاریخ را دانست. کتاب عصر حافظ مرحوم قاسم غنی، کتابی است که می‌تواند به شناخت ما کمک کند.»

پروین‌گنابادی برای تأکید به اهمیت تاریخ، توضیحی درباره دوران تاریخی حافظ داد و گفت: «از عبیدزاکانی که دوازدهمین حافظ یکی بود، یک دسته‌بندی از مذهب افراد دارد. اصحاب مذهب منسوخ بودند و اصحاب مذهب پیامبر، جوانمردی، نیت پاک و... هستند و کسانی که اهل دروغ، زیا و مست سر نماز حاضر می‌شوند، جزء اصحاب مذهب مختار (برگزیده) هستند. آن فسادی که در آن قرن بعد از حمله مغولان اتفاق افتاده و جامعه ویران آن زمان را حافظ با زبان طنزی که دارد، نقد می‌کند. مهم است که بدانیم هر دوره زندگی حافظ در زمان کدام پادشاه است. زیرا اشعار او تحت تأثیر پادشاهان و میزبان ظالم بودن یا اهل شعر و ادب بودن آنهاست. برای مثال در زمان شاه شجاع، پسر امیر مبارزالدین، حافظ دوباره جان می‌گیرد. شاه شجاع با تمام خون‌ریزی‌هایی که به خاطر مناسبات سیاسی انجام داده بود اما برعکس پدرش اهل شعر و ادب بوده و به مردم سخت نمی‌گرفته است. شعری که در آن دوران می‌گوید، این است: «سحر ز هاتف غیبم رسید مژده به گوش». او در دوره امیر مبارزالدین می‌زیسته که دوره‌ای نسبتاً طولانی بوده و به حافظ سخت گذشته است. فشاری که روی حافظ بوده باعث شده زبان را ببرد به سمت شناور شدن. زبان شناسان می‌گویند: زبان، همیشه بازتاب‌دهنده قدرت حاکم است. از طرفی دیگر در همه جهان، قانونی وجود دارد که شاعری می‌تواند کلاسیک باشد که دارای نبوغ زبانی است. حافظ یک نابغه زبانی بود؛ چراکه در درجه اول باعث حیرت مخاطب می‌شود و در درجه دوم زبان را شناور کرده و از یک شعر هر کسی برداشتی متفاوت می‌کند.»

یکی از صفات برای حافظ، لسان‌الغیب است که پروین‌گنابادی درباره

این صفت اینگونه توضیح داد: «نکته جالبی که درباره نام کتاب حافظ وجود دارد؛ وقتی محمد گل‌اندام، اشعار حافظ را جمع می‌کرده، عنوان دیوان خواجه شمس‌الدین محمد را داشت. بعد از تقریباً ۱۲۰ سال و با مشهور شدن اشعار حافظ در میان مردم، به آن می‌گویند دیوان لسان‌الغیب. این صفت زمانی برای حافظ به کار برده می‌شده که در آن دوره زندگی نمی‌کرده است.»

پروین‌گنابادی ادامه داد: «یکی دیگر از هنرهای حافظ، شخصیت‌سازی است. برای مثال زاهد و صوفی، شخصیت‌های منفی هستند که حافظ از آنها استفاده می‌کرد. به طور مثال می‌توان این مصوع را به یاد آورد که «زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست» یا به‌عنوان مثالی دیگر: «حافظ مکن ملامت زندان که دراز/ ما را خدا زاهد ریا بی‌نیاز کرد.»

او با اشاره به قواعد فنی شعر حافظ گفت: «در بعضی از شعرهای حافظ، ما گره خوردن طنز با مسائل دینی را می‌بینیم. این اتفاق به دلیل این است که مفاهیم دینی در جامعه آن زمان در جایگاه خودش نیست. برای مثال: «اگر فقیه نصیحت کند که عشق مبارز/ پیاله‌ای بدهش گو دماغ را تر کن» یکی دیگر از آرایه‌هایی که حافظ بسیار زیبا از آن استفاده کرده، حسن تعلیل است. یعنی رابطه علت و معلولی که بر پایه تخیل، بین دو پدیده برقرار می‌کنیم. برای مثال حافظ در یکی از اشعارش آورده: «زمانه از ورق گل مثال روی تو بست/ ولی ز شرم تو در غنچه کرد پنهانش.»

به‌عنوان آخرین نکته بهرام پروین‌گنابادی به یکی دیگر از آموزه‌های اخلاقی شعر حافظ اشاره کرد و گفت: «در فرهنگ ایرانی، آدمی اخلاق مدار شناخته می‌شود که آزارش به کسی نرسد؛ مثلاً مولانا گفته است: «می‌بخور، منبر بسوزان، مردم آزاری مکن». و حافظ همین موضوع را در اشعارش آورده: «مباش در پی آزار و هر چه خواهی کن/ که در شریعت ما غیر از این گناهی نیست.»

آخرین سخنران این شب فرهنگ، محمود اسعدی بود و از این استاد ارتباطات خواسته شد

تا با نگاهی که مبتنی بر رسانه است از حافظ بگوید. محمود اسعدی سخنش را با اشاره به مقاله‌ای با نام «حافظ بس» شروع کرد که چندین دهه قبل، استاد فیروزکوهی آن را نوشت و گفت: «این سخن استاد از نظر آنکه صرف زیاد شدن نسخه‌های چاپی باعث نشده است که به موضوع اصلی اشعار حافظ توجه بشود، موضوع درستی است. اما حافظ یک معدن بسیار غنی است که از هر سمت به آن نگاه کنیم باز هم نکات جدید دارد.»

اسعدی با طرح سوال «چرا ما نمی‌توانیم خودمان و بزرگانمان را به دنیا معرفی کنیم؟» بحث اصلی‌اش را شروع کرد و ادامه داد: «در فرهنگ شرقی، ما همیشه یک نگاه تواضع‌گونه داشتیم که باعث شده نخواهیم خودمان را آن‌طور که بایسته است معرفی کنیم. ما حتی در مقابل تعریف کردن از خود هم یک گارد داریم.»

او با اشاره به انواع مدل‌های ارتباطی گفت: «ما سه نوع ارتباط داریم: ارتباط با خود، ارتباط با دیگران و ارتباط با خدا. هر سه نوع ارتباط در حافظ دیده می‌شود. اما اول باید ببینیم که حافظ در جامعه خودمان شناخته شده است

یا نه و چقدر شناخته شده است؟» او با اشاره به نمونه‌ای از فیلمسازی آشنا به شعر حافظ گفت: «عباس کیارستمی به‌عنوان فیلمساز در کتابی با نام «حافظ به روایت عباس کیارستمی» مصحح‌هایی را انتخاب کرده که شاید خیلی معروف نیست، اما همان نگاه خلاقانه فیلمسازی او در انتخاب شعر هم دیده می‌شود.» اسعدی به‌عنوان طرح‌راهکاری برای شناخت بیشتر حافظ، تأکید کرد: «برای نسل جدید، شاید همه شعرهای حافظ فوق‌العاده به نظر نرسد. باید شعرهای خاص و منتخب حافظ را با استفاده از همه هنرهای دیگر استفاده کنیم تا ارتباطات مان گسترده شود. حافظ گنجینه‌ای بسیار غنی است و هر آدمی با هر علمی می‌تواند از آن استفاده کند و نیازی نیست که حتماً عارف باشیم تا شعرهای حافظ را متوجه شویم. لازم است که در ظرف‌های مناسب، اهالی رشته‌های مختلف هرکدام از یک منظری به آن نگاه کنند و با زبان تصویر، پادکست و با نگاهی نو و جدید به این اشعار پرداخته شود. شرق‌شناسان که مطالعه‌های بسیار زیادی از شرق داشته‌اند، توانسته‌اند شعر حافظ را تبدیل به اثر هنری دیگری کنند. راه دیگر برای شناساندن حافظ به دنیا، سازمان‌های بین‌المللی هستند.»

جلسه نوزدهم شب‌های فرهنگ با خواندن یکی از اشعار حافظ تمام شد. این جلسه هر ماه با حضور جمعی از اهالی فرهنگ و هنر درباره موضوع و شخصیتی هنری در دفتر اکبر نبوی برگزار می‌شود.



ناشران جهان اسلام از نمایشگاه فرانکفورت انصراف دادند



در پی حمایت مسئولان نمایشگاه کتاب فرانکفورت از اسرائیل و جنایت‌های در حال وقوع در فلسطین، حاشیه‌های گسترده‌ای برای این نمایشگاه ایجاد و بسیاری از ناشران جهان اسلام از حضور در این نمایشگاه انصراف داده‌اند.

خبرگزاری تسنیم در این باره نوشت: «هفتاد و پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت عصر روز سه‌شنبه ۱۷ اکتبر افتتاح شد. اما این نمایشگاه در دوره پیش‌رو با حواشی قابل توجهی روبه‌رو شده است، پس از دعوت از سلمان رشدی به‌عنوان سخنران مراسم افتتاحیه این نمایشگاه که موجب شد جمهوری اسلامی ایران از حضور در این نمایشگاه انصراف دهد، حالا و طی حمایت‌های روزهای اخیر مسئولان این نمایشگاه از مواضع ضدانسانی اسرائیل، ناشران و کشورهای اسلامی نیز از حضور در این نمایشگاه سر باز زده‌اند.»

ماجرای حمایت نمایشگاه کتاب فرانکفورت از اسرائیل با حذف مراسم تجلیل از عدنی شلیبی، نویسنده فلسطینی آغاز شد. «لیت پرام»، سازمانی که مجری برگزاری این مراسم و اهدای جایزه به نویسنده فلسطینی بود، پس از آغاز عملیات طوفان الاقصی نشستی که قرار بود با حضور شلیبی و گوئرتا اورث، مترجم کتاب برگزار شود را لغو کرد. پس از آن بیش از ۶۰۰ نویسنده و ناشر در نامه‌ای با اعتراض به مواضع نمایشگاه کتاب فرانکفورت تجدید نظر در لغو این مراسم را مطالبه کردند. در این نامه آمده بود: «نمایشگاه کتاب فرانکفورت به‌عنوان یک نمایشگاه بزرگ بین‌المللی کتاب، مسئولیت دارد فضایی برای نویسندگان فلسطینی ایجاد کند که آنها هم بتوانند افکار احساسات و تأملات خود را در مورد ادبیات در این دوران وحشتناک و ظالمانه به اشتراک بگذارند. به اینکه بخواهد صدای آنها را خاموش کند.»

کتاب شلیبی که برنده این جایزه شده بود و قرار بود در نمایشگاه کتاب فرانکفورت مورد تجلیل قرار گیرد، «جزئیات کوچک»، نام دارد و رویدادهای مستند مربوط به تجاوز به یک دختر باده‌نشین در سال ۱۹۴۹ توسط یک ارتشی رژیم صهیونیستی راست‌مخیمه خود قرار داده است.

وزیر ارشاد: منتظر شناسایی قاتل داریوش مهرجویی هستیم



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: «به‌طور مستمر با همکاران قضایی و انتظامی در تماسم تا عاملان این جنایت -قتل مهرجویی و همسرش- هر چه زودتر شناسایی شده و به‌سزای عمل ننگین‌شان برسند.»

به گزارش ایسنا، محمد مهدی اسماعیلی در حاشیه جلسه هیات دولت در جمع خبرنگاران، با ابراز تأسف از قتل داریوش مهرجویی و وحیده محمدی فر، گفت: «آقای مهرجویی یکی از معتبرترین کارگردان‌های مولف در سینمای ایران بود. ایشان با ساخت فیلم گاو و سایر فیلم‌های اجتماعی تأثیرگذار، نقش مهمی را در ارتقای فیلم‌های فلسفی تأثیرگذار سینما ایفا کرد.» وی ادامه داد: «ضایعه قتل ایشان برای همه ما تأسف‌آور بود. بعد از اطلاع از این اتفاق، در ابتدای ساعات اولیه صبح پیام تسلیت صادر کردم و بلافاصله دوستان امنیتی، انتظامی و قضایی در دفترم حاضر شدند و نشست مفصلی برگزار شد. همکارانم به منزل مرحوم مهرجویی رفتند و مقدمات تشییع و تجلیل از ایشان را برنامه‌ریزی کردند.» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی پیام تسلیت رئیس‌جمهور را نشانه همدردی عمیق او با اصحاب فرهنگ کشور توصیف کرد و گفت: «رئیس‌جمهور به وزارت فرهنگ دستور دادند تا مراسم تجلیل و تعظیم از ایشان را انجام دهیم. به‌طور مستمر با همکاران قضایی و انتظامی در تماسم تا عاملان این جنایت هر چه زودتر شناسایی شده و به‌سزای عمل ننگین‌شان برسند.»

احمد وحیدی، وزیر کشور هم در حاشیه جلسه هیات دولت درباره آخرین سرخ‌ها از قتل داریوش مهرجویی و همسرش، گفت: «این واقعه تلخی بود و به هر حال افکار عمومی را جریحه‌دار کرد. این کارها به شدت محکوم است و اخلاق در نظم و انضباط عمومی و یک جنایت است. فراجا با جدیت در حال پیگیری است و سرخ‌هایی به دست آورده و این کار تا آخر توسط فراجا با نظارت قوه قضائیه انجام می‌شود و امیدوارم قاتل یا قاتلان پیدا شوند.»